

بلندایم که احساس هوایی بنخورد

میزگردی با دانش‌آموزان
دختر مدرسهٔ معارف مشهد

اشاره

دانش‌آموزان بمثابه جمعیت هدف گویاترین شواهد و گویه‌ها و صریح‌ترین داورها در نقد مفاهیم کتاب‌های درسی و گفت‌وگوهای آموزشی مربوطه‌اند. مجله به میان این جمعیت هدف و جامعه مخاطب رفته تا وظیفه رسانه‌ای آموزشی خود را انجام داده باشد!

● نظر شما در مورد کتاب‌های علوم اجتماعی و نسبت رشته تحصیلی تان با علوم اجتماعی چیست؟

○ شهیدی: رشتهٔ تحصیلی من علوم و معارف اسلامی است و یک‌سلسله درسهای تخصصی دارد؛ مثل اخلاق. البته درسهای علوم انسانی همان‌گونه که شما بهتر می‌دانید، ترجمه شده از کتابهای غربی هستند. یعنی ما یک نظریه‌ساز اسلامی نداریم که دربارهٔ علوم اجتماعی یا علوم انسانی به‌صورت اسلامی نظریه داده باشد. بیشتر نظریه‌هایی که ما در حال حاضر در کتابهایمان می‌بینیم، نظریه‌های غربی هستند و به نظریه‌های اسلامی بها نمی‌دهند. بیشتر توجه‌ها نیز بیشتر به نظریه‌های غربی است. اما علوم و معارف اسلامی این فرصت را به بچه‌ها می‌دهند که نظریه‌های اسلامی را مطرح کنند. آنهایی که معارف اسلامی یا علوم انسانی می‌خوانند، می‌توانند نسبت به این درسها تا حدودی فضا سازی اسلامی کنند.

○ عصمت‌پور: در رشتهٔ ما، علوم اجتماعی خیلی خوب باز و بررسی می‌شود و بچه‌ها خیلی خوب نظر خود را بیان می‌کنند و از این طریق، بینش بچه‌ها نسبت به علوم انسانی بیشتر می‌شود.



● آیا این مطالبی که در بالا مطرح شد در سطح مدارس دیگر نیز برقرار نمی‌شود و فقط در مدرسه شما این امکانات وجود دارد؟

○ احمدزاده: اگر بخواهیم در جامعه موفق زندگی کنیم، به یک پیش‌زمینه از درسهای علوم اجتماعی نیاز داریم که باعث آگاهی و تحقق نیاز ما در طول زندگی می‌شود. ولی متون آموزشی رشته علوم اجتماعی از فلسفه اجتماعی غرب گرفته شده است؛ از دانشمندان یا فلاسفه غربی. فکر می‌کنم این درست نیست ما که در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم، همیشه از نظریه آنها استفاده کنیم. نیاز است که ما براساس دین و آیین خودمان رفتار کنیم و عکس‌العمل نشان دهیم. رشته علوم و معارف اسلامی، در اصل دین خودمان را شرح می‌دهند و این که چگونه رفتار و عمل کنیم تا موفق باشیم و یا آینده خوبی داشته باشیم. البته باید در کنارش از فلسفه‌های غرب گفته شود که سبب شود خوب و بد آنها را هم را از هم تشخیص دهیم و درک درست آنها برای ما راحت‌تر شود.

○ عباس‌اف: همین معضلاتی که در مورد مسائل اجتماعی غرب‌گرایی برای ایرانیها ایجاد شده، باعث شده است که برخی دانش‌آموزان ما به سمت غرب گرایش پیدا کنند. یعنی دیدگاههای غربی را بیشتر از دیدگاههای اسلامی قبول دارند. چرا؟ چون برای آنها موضوع را باز نکرده‌اند. حالا مدرسه ماست که در این شهر رشته معارف دارد و برای دانش‌آموزانش مسائل را باز می‌کند. اما مدارس دیگر روی این موضوعات کار نمی‌کنند یا خیلی کم روی این‌طور مسائل کار می‌کنند. به خاطر

همین اکثر دانش‌آموزان ایران دیدگاههای اسلامی را قبول ندارند و بیشتر غرب‌گرا شده‌اند و به‌خاطر همین ما مسئله بی‌حجابی را در کشور داریم.

● آیا دوستان سایر فضاهای آموزشی را غیر دینی یا غیر اسلامی می‌دانند؟

○ شهیدی: غرب‌گرایی که گفته شد، منظور این نیست که غرب همه حرفهایش اشتباه است. ما اصلاً همچنین نظری نداریم. اما وقتی صحبت از مباحث دینی می‌شود، مخصوصاً در کلاس درس دین و زندگی، بچه‌ها خیلی بی‌میل و بی‌علاقه هستند. شاید اشکال از ناحیه بعضی معلمهای دین و زندگی بود که آدمهای خیلی خشک و بداخلاقی بودند و حاضر نبودند سؤالات دینی بچه‌ها را جواب بدهند یا مشکلات و یا شبهات دینی دانش‌آموزان را رفع کنند. این که ما می‌گوییم جبهه‌گیری در برابر غرب باید درست و به اندازه باشد. دارای اصول و ضوابطی باشد. الان در کتاب جامعه‌شناسی می‌خوانیم که سه دسته یا دیدگاه در مقابل غرب داریم: دیدگاهی که غرب را قبول ندارد، دیدگاهی که فقط غرب را قبول دارد، و دیدگاهی که براساس منطق می‌گوید خوب‌ها را می‌گیریم و بد‌هایش را رد می‌کنیم.

البته شاید در جامعه ما چنین شرایطی حاکم نباشد. خیلیها خیلی اسلام‌گرا هستند و اصلاً حاضر نیستند کتابهای نویسندگان خارجی را بخوانند. بعضی‌ها هم هستند که نظریه‌های اسلامی را اجرا نمی‌کنند. یعنی می‌گویند از نظریه‌های غربی استفاده می‌کنیم.





مذهبی‌اند. اگر آنها پذیرش بشوند، تعداد کمی خواهند بود و حتماً تأثیر زیادی می‌گیرند که باعث می‌شود در خانواده‌های خود تأثیر زیادی بگذارند. و شاید خیلی‌های دیگر به این مدرسه به این محیط و به این قشر علاقه‌مند

مهم آن است که معلم یا دبیر به آن چه آموزش می‌دهند، خودشان مسلط باشند؛ مخصوصاً به درس‌هایی که آمیخته با اخلاق و رفتار اسلامی هستند. پایبند باشند

● رابطه شما با کتابهای درسی که آموزش می‌بینید، چه‌طور است؟ آیا معلمها یا دبیران شما توان لازم را برای آموزش این کتابها به شما دارند یا نه؟

بشوند و گرایش پیدا کنند.

● دکتر همدانی، اگر آنها روی شما تأثیر بگذارند چه؟

○ عصمت پور: ما اگر می‌خواستیم تأثیر بگیریم در مدارس قبلی تأثیر گرفته بودیم.

آقای اردوخانی، خانم عباساف، شما هم‌سن و سالهایی دارید که ممکن است دیدگاه‌ها یا رفتارهای شما را نداشته باشند. اما شما دوست داشته باشید که با آنها در یک مدرسه یا در یک کلاس و یا توی یک نیمکت بنشینید.

● خانم عباساف، به نظر شما عدالت آموزشی در آموزش علوم دینی و علوم اجتماعی رعایت می‌شود؟

○ عباساف: نه فکر نمی‌کنم که به درستی رعایت شود. ما در مشهد استادان قوی و خیلی مجربی داریم، ولی متأسفانه با این که می‌گویند «آموزش و پرورش»، به بعد «پرورش» اهمیتی داده نمی‌شود، اغلب هم‌سن و سالهای ما در این شهر، هیچ آگاهی از علوم و معارف اسلامی ندارند. چون در بعد پرورش، استادان آن قدر قوی نبوده‌اند که بتوانند آنها را درست پرورش بدهند. مدرسه تخصصی ما استادانی را می‌آورد که خیلی مجرب و قوی هستند. بالاخره کسی که در این جو قرار بگیرد، تأثیر می‌پذیرد و قوی می‌شود. ولی مدارس دیگر چی آیا درست است که فقط مدارس ما این‌طور باشد اگر آموزش و پرورش برای آموزش اساتید را دعوت بکند برای معلمهای دین و زندگی از استادان قوی دعوت کند، به این ترتیب، همه بچه‌ها بهره‌مند می‌شوند.

الان معلمهای دین و زندگی مشهد خودشان اطلاعات درستی در مورد کتاب درسی ندارند. مثلاً معلم ریاضی بوده، معلم دین و زندگی شده است. این کار اصلاً درست نیست. از چنین معلمی تخصصی که می‌پرسی، نمی‌تواند جواب بدهد. واقعاً خودشان آن قدر با اطلاع نیستند که بتوانند جواب بدهند. اگر آموزش و پرورش به جای این که فقط به آموزش بچه‌ها اهمیت بدهد، به پرورش بچه‌ها قدری بیشتر اهمیت می‌داد، وضع این‌طور و عدالت اجتماعی برقرار می‌شد.

● چرا فکر می‌کنید که دبیران شما دبیران بسیار متخصصی هستند و در رفتارهای شما تأثیر گذارند؟

○ احمدزاده: من در مدرسه‌های متفاوتی درس خوانده‌ام؛ هم در مدرسه‌هایی که سطح دینی پایینی داشته‌اند و هم در مدرسه‌های امام رضا(ع). دبیران مجرب و موفق هم تنها به مدرسه ما محدود نیستند. ولی این تشخیص من بود که دبیران ما موفق و مجرب‌اند.

○ احمدزاده: اکثر دبیرهای درسهای تخصصی ما در این رشته تخصص دارند؛ یعنی به مراتب بالایی رسیده‌اند. من شخصاً از دبیرانم، نحوه تدریسشان و رفتارشان رضایت دارم. چون مهم آن است که معلم یا دبیر به آن چه آموزش می‌دهند، خودشان مسلط باشند؛ مخصوصاً به درس‌هایی که آمیخته با اخلاق و رفتار اسلامی هستند. پایبند باشند که هستند. اکثر دبیرهای ما از لحاظ اخلاق و رفتار اسلامی خوب‌اند. ولی درسهای ما فقط آخرت‌گرا نیستند و فقط به درد دینمان نمی‌خورند، بلکه آمیخته‌ای از دنیا و آخرت ما را تأمین می‌کنند.

● تأثیر درسهای علوم اجتماعی در شما یا دوستانتان یا خانواده‌هایتان چه‌قدر بوده است؟ آیا اثری بر رفتار شما یا جامعه هم‌سنهای شما در مشهد داشته‌اند؟

○ عصمت پور: قطعاً تأثیر دارد. اگر دانش‌آموزی بتواند در کنار درسهای علوم اجتماعی از علوم اسلامی استفاده کند، دوستان هم‌سن و سال او هم می‌توانند بهره‌مند شوند. برای مثال، اگر دانش‌آموزان این مدرسه بتوانند با دانش‌آموزان مدارس دیگر، این علوم را در کنار هم داشته باشند، همه از آنها بهره‌مند می‌شوند. همان‌طور که ما و خانواده‌هایمان مسلماً بهره خیلی زیادی از این دو علم می‌بریم.

○ همدانی: به لحاظ تخصصی نمی‌شود علوم اجتماعی را در کنار علوم معارف دینی قرار داد. یعنی اگر یک مدرسه تخصصی داشته باشید، به مراتب در آن حوزه تخصصی خیلی قوی‌تر هستید. از آن طرف هم اگر بچه‌های علوم اجتماعی وارد مدرسه شما بشوند، بافت مدرسه شما را به هم می‌زنند. یعنی مدرسه شما دیگر یک مدرسه دینی نخواهد بود. این نشان می‌دهد که موافق نیستید یک مدرسه اختصاصی داشته باشید، به دلیل این که دیگران محروم می‌شوند. این‌طور است؟

○ دانش‌آموزان: نه این‌طور نیست!

● شاید به دلیل این که خود شما در این حوزه محدود هستید.

○ عصمت پور: نه ما در این حوزه محدود نیستیم. منظور من از این حرف این بود که بچه‌های ما حتی شاید همین‌طور که مدرسه‌مان دارد کاری می‌کند که بچه‌های دیگر یا دانش‌آموزان دیگری به این مدرسه نمی‌آیند و محیط ما کاملاً مذهبی است، شاید از یک لحاظ خوب باشد ولی من فکر می‌کنم که دانش‌آموزان دیگر این‌طوری خیلی بهتر می‌توانند به این راه بیایند چون راهنمایی‌ها با سن خیلی کم وقتی که وارد دبیرستان می‌شوند خیلی راحت می‌شود آنها را به این سمت کشاند. اگر بیایند به این محیط آن‌طور نیست که بخواهند محیط مدرسه را به هم بزنند. چون مسلماً کسانی که به این مدرسه می‌آیند، بیشتر

رفتار دبیر در درسی که می‌دهد، مؤثر است. دبیر باید طبق اطلاعاتی که دارد رفتار کند و سؤالات تخصصی دانش‌آموزان را پاسخ دهد.

این موضوع به دبیران مذهبی یا درسهای مذهبی هم محدود نیست. حتی دبیر ریاضی یا آمار هم باید به سؤالات تخصصی پاسخ دهد و دانش‌آموز را راهنمایی کند. بعضی دبیرها فقط سر کلاس می‌آیند و می‌روند. وقتی از آنها سؤالی می‌پرسی، می‌گویند خودتان دنبال پاسخش بروید. البته بعضی از دبیرها هم دوست دارند راهنمای دانش‌آموز باشند.

● **البته روش دبیرانی که می‌گویند خودتان بخوانید و دنبالش بروید، روش درستی است.**

○ **احمدزاده:** نه من نمی‌گویم که کار این دبیران بد است، بلکه می‌گویم دبیر باید راهنمای دانش‌آموز باشد.

● **شما قبل از این که وارد این مدرسه بشوید، مگر دارای افکار مذهبی نبودید؟ مگر خانواده مذهبی نداشتید؟ مگر خود شما عامل دستورات اسلام و احکام نبودید؟ این مدرسه در رفتار شما چه تغییری ایجاد کرده است؟**

○ **شهیدی:** خیلی از بچه‌ها هستند که درسها را حفظ می‌کنند و در پایان نیم‌سال امتحان می‌دهند و نمره لازم را می‌گیرند، ولی به مطالب آن درس عمل نمی‌کنند. خیلی از بچه‌های مدرسه هستند که این طوری‌اند من خیلیها را می‌شناسم خود من هم به شخصه که می‌گویند این درسها در رفتار خود من هم تأثیری نداشته است. شاید تقصیر خودم است که روی این موضوع کار نکردم.

● **اطلاعات شما را افزایش داد یا رفتار شما را دگرگون کرد؟**

○ **شهیدی:** اطلاعاتمان افزایش پیدا کرده است.

● **مثل سایر مدارس که افرادی با ویژگیهایی خاص خودشان می‌آیند و اطلاعاتشان را افزایش می‌دهند.**

○ **شهیدی:** بله، مثل بقیه مدارس. همان طور که درس دین و زندگی را بچه‌های مدارس دیگر می‌خوانند. فقط می‌خوانند که نمره بگیرند و قبول بشوند. زمانی هم که وارد دانشگاه می‌شوند، نمی‌دانند مرجع تقلید کیست، از چه کسی تقلید کنند و خیلی چیزهای دیگر. فقط و فقط می‌خواهند نمره بگیرند.

○ **عباباف:** البته باید اضافه کرد که اطلاع بیشتر در یک زمینه باعث می‌شود که رفتارها تغییر کند. این طور نیست که الان فقط اطلاعات ما زیاد می‌شود، بلکه رفتار هم تغییر می‌کند.

● **آیا رفتار شما تغییر کرده یا خیر؟**

○ **عباباف:** درست است که قبل از آمدن به این مدرسه، من معتقد و مقید بودم، اما مطالبی هم بوده‌اند که من نمی‌دانستم. آدم که همیشه همه چیز را نمی‌داند. وقتی آن مطالب به اطلاع من رسید، بر رفتار من تأثیری گذاشت.

○ **عصمت‌پور:** من خیلی کلی می‌گویم که این مدرسه زمینه را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند. اطلاعات من هم در همین حد است. از دید من، فراهم کردن زمینه خیلی مهم است. هر کسی استعداد درس

خواندن را در خودش دارد، اما مهم شکوفا شدن آن است. مهم آن است که محیط و مربیان کمک کنند که آن استعداد پرورش پیدا کند یا دانش‌آموز خودش را پیدا کند. باز هم تأکید دارم زمینه سازی بسیار مهم است و در مدارس ما باید هم زمینه علمی را فراهم کنند و هم زمینه مذهبی را.

○ **عباباف:** من فکر می‌کنم درست است که ما در خانواده‌هایمان از اسلام اطلاع داشتیم، ولی خب خانواده فضای محدودی دارد. ما وقتی وارد مدرسه شدیم، فضای بازتر و مذهبی‌تری دیدیم و با برخوردهای مختلفی روبه‌رو شدیم.

در خانواده ممکن است خیلی از برخوردها برای ما پیش نیاید، اما در مدرسه این طور نیست. ما خیلی چیزها را در خانواده می‌شنیدیم، اما در عمل نمی‌دیدیم. وقتی در مدرسه با انواع برخوردها روبه‌رو شدیم و آشنایی پیدا کردیم، آن اطلاعات کاربردی‌تر شد.

● **تفاوت بین مدرسه شما و دانش‌آموزان سایر مدارس و حتی بین دبیران شما و دبیران آنها چیست؟ آیا دبیران شما باید دارای تحصیلات خاصی باشند تا بتوانند دبیر شوند؟ این تفاوتها را ناشی از عدم عدالت آموزشی نمی‌بینید؟**

○ **احمدزاده:** نکته‌ای بگویم. یکی از دوستان گفتند دبیران این مدرسه بسیار مجرب‌اند. من این طور فکر نمی‌کنم. اصلاً قبول ندارم. آنها مجرب نیستند. مثل دبیر ... ما که به کلاس می‌آید، مطالب را می‌گوید و در آخر هم جمع‌بندی می‌کند و اصلاً هیچ‌یک از دانش‌آموزان در بحث شرکت نمی‌کنند. این به نظر من اصلاً درست نیست. چون اگر اشکالی یا شبهه‌ای سر کلاس مطرح شود، پاسخ گفته نمی‌شود. این یکی از مشکلاتی است که در این مدرسه وجود دارد. من این موضوع را با مدیر مدرسه مطرح کردم. ایشان گفتند با خود دبیر مطرح کنید. ما محترمانه با دبیر صحبت کردیم و ایشان پاسخ داد که بعضی از مسائل را نمی‌شود سر کلاس باز کرد. یعنی اقتضای کلاس این طور است.

من اصلاً این حرف را قبول ندارم. مسائل ... را باید توضیح دهند تا اشکالات برطرف شوند. دانش‌آموزان زیادی فارغ‌التحصیل می‌شوند درحالی که هنوز سؤالات بی‌پاسخ زیادی دارند. در نتیجه، وقتی وارد دانشگاه می‌شوند، حجاب یا اعتقاداتی را که دارند کنار می‌گذارند.

● **کنار گذاشته نمی‌شود، بلکه کمتر می‌شود تا در جامعه فعالیت بیشتری داشته باشند. نگوئید بی‌حجاب می‌شوند، بلکه اهمیت آنها کم می‌شود.**

○ **احمدزاده:** پس با این حساب، مدرسه ما نیز یک مدرسه حافظه‌محور است و بچه‌ها فقط برای نمره کار می‌کنند.

○ **عباباف:** در آموزش و پرورش خیلی کارها انجام می‌شوند که نمادین هستند؛ مثل ملاقات اعضای شورای دانش‌آموزی با نماینده مجلس هم‌چنین، به مسابقات ورزشی بها می‌دهند، اما مسابقات قرآنی این طور نیست و ما با کمبود امکانات روبه‌رو هستیم.